

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com
مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکبیریان
Tel: ۰۰۲۵۸ ۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E-mail: abdolgolparian@gmail.com

ایسکرا ۶۴۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش باز گرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ آبان ۱۳۹۱، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۲

سرمدییر عبدالکبیریان

پیام حمید تقوایی به سازماندهندگان دادگاه ایران تریونال در لاهه ایران تریونال اولین گام در به محاکمه کشیدن رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی!

مرگ های ناشی از کار جرم جنایی کارفرماست!



جمهوری اسلامی است. بررسی و مستند ساختن جنایات حکومت در دهه شصت کل نظام جمهوری اسلامی، با همه جناحها و باندهای مختلفش از خمینی و خامنه ای تا رفسنجانی و موسوی و کروبی و بسیاری از دواخردادیهای دیروز و امروز که همگی جزو مقامات و مسئولین رژیم، و یا مانند احمدی نژاد تیر خلاص زن جزو عاملین مستقیم جنایات رژیم، در دهه شصت بوده اند را تماما افشا و صفحه ۲

است. باید این واقعیت را بطور زنده و ملموس و مستند در برابر چشمان مردم دنیا قرار داد. نباید اجازه داد تا مرور زمان جنایات این حکومت را در اذهان کمرنگ کند و یا آنرا به یک واقعیت عادی و پذیرفته شده مبدل سازد. دولتها از کنار این جنایات میگذرند ولی مردم جهان باید بدانند و در کیفر خواست مردم ایران علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی شریک شوند. برگزاری دادگاه ایران تریونال گام مهمی در این جهت است. این اقدامی است که میتواند و باید زمینه برگزاری دادگاه رسمی و محاکمه واقعی سران حکومت اسلامی را فراهم کند.

از نظر سیاسی نیز برگزاری این دادگاه گام موثری در مبارزه علیه

برگزاری دادگاه ایران تریونال را به سازماندهندگان و فعالین آن صمیمانه تبریک میگویم. در این دادگاه قربانیان جمهوری اسلامی تصویر زنده و تکانهنده ای از جنایات این رژیم فاشیستی در برابر چشم مردم دنیا قرار دادند. کسانی که خود و یا نزدیکانشان سالها زندان و شکنجه های قرون وسطائی حکومت اسلامی را تحمل کرده اند و یا عزیزانشان بدست جانین حاکم اعدام شده اند فرصت یافتند تا یکی از دهشتناک ترین جنایات تاریخ معاصر را بطور مستند و غیر قابل انکاری افشا کنند.

جنایات جمهوری اسلامی، نه تنها در دهه شصت بلکه در تمام طول حیات ننگینش، برای مردم ایران واقعیت شناخته شده ای

تنها تعداد کمی از آنها ثبت و یا منتشر میشود. در استان کردستان، در سه ماه دوم سال قبل (سال ۹۰) در اثر حوادث ناشی از کار ۱۳۱ نفر مصدوم به پزشکی قانونی مراجعه کردند که تابستان امسال این رقم با افزایش ۱۴۷ نفر، ۱۲ درصد رشد داشته است. طبق خبری از مدیر کل پزشکی قانونی استان کردستان؛ «در تابستان امسال میزان مرگ های ناشی از حوادث کار در استان نسبت به سال قبل با ۱۱۴ درصد افزایش روبرو بوده است». و «در سه ماه دوم سال جاری ۱۵ نفر در استان بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده اند، افزود: این رقم در مقایسه با صفحه ۲



نسان نودینیان

شرایط سخت و نا امن کار هر روز جان عده ای از کارگران را مورد مخاطره قرار میدهد. هر روز موارد متعددی از آسیب دیدن و یا کشته شدن کارگران بر اثر عدم وجود امکانات ایمنی در گوشه و کنار این جامعه مصیبت زده اتفاق می افتد که

تنها یک ساعت

پسرها در زندگی نسبت به دخترها بیشتر دچار رنج و زحمت هستند و سختی میکشند. از درس خواندن گرفته، بعد سربازی رفتن، کاری پیدا کردن، نان آور خونه بودن.....

که در این میان مسئله سربازی به امری تبدیل شد که به عنوان سخت ترین و بدون هیچ فایده ای از آن یاد می شد، که بیشترین مشقت را به همراه دارد.

جواب یکی از دخترها:
کاش پسرها در تابستان تنها یک

صفحه ۸



بیستون بیگ زاده

به مطالبی که استاد داشت توضیح می داد گوش میدادیم که چند تا از بچه ها طبق معمول از اولین فرصت پیش آمده در این میان استفاده کرده و شروع به بدله گویی کردند، که یک دفعه بحث جدی شد. چند تا از پسرها:

جمهوری اسلامی ایران در دومین دادگاه ایران تریونال به جنایت علیه بشریت محکوم شد!

صفحه ۳

صفحه ۴

به سازمانهای کارگری و نهادهای انسان دوست در سراسر جهان

صفحه ۵

رفع ستم ملی

صفحه ۶

زندگی نامه من (بخش سی و هشتم) / سهیلا شریفی

صفحه ۷

اخبار کارگری از شهرهای کردستان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مرگ های ناشی از کار ...



سه ماه دوم سال ۹۰ که تعداد فوتی‌های ناشی از حوادث کار ۷ نفر بود، ۱۱۴ درصد افزایش یافته است.»

از دلایل مهم بروز حوادث ناگوار و بالا بودن میزان مرگ ناشی از کار در سه ماه تا هفت نفر اینها هستند.

۱. عدم وجود وسایل ایمنی و حفاظتی اصولی، کافی و مرغوب و در انطباق با آخرین امکانات ایمنی.

۲. شدت کار و طولانی بودن ساعات کاری یکی دیگر و اصلی ترین عوامل بروز سوانح و مرگ است. اولاً کارفرمایان اغلب برای بالا بردن شدت کار و تحت فشار قرار دادن کارگران برای تحرك و کار بیشتر تا آنجا که ممکن است

از بکارگیری وسایل ایمنی پرهیز میکنند. زیرا استفاده از وسایل ایمنی در عین حال از تحرك و سرعت کار کارگر میکاهد. تا آنجا که کارگرانی که کار کنتراتی میکنند (در شرکت های راه و ساختمان سازی بیشتر) خود عمداً از این وسیله استفاده نمیکنند تا بتوانند کار را با سرعت بیشتری انجام دهند. ثانیاً طبیعی است که خستگی ناشی از طولانی بودن ساعات کار، خود به میزان زیادی درصد بروز حوادث را افزایش میدهد.

شدت کار و خستگی مفرط دو عامل دیگر در بروز حوادث است.

آنچه مسلم است این است که سرمایه داران همچون کالایی بی ارزش به کارگر مینگرند و آنچه که برایشان اهمیت حیاتی دارد

سود هر چه بیشتر است. و از آنجا که رعایت اصول ایمنی و بهداشت محیط کار جز هزینه هاست و از سود آنها میکاهد، بنابراین طبیعی است که سرمایه داران به این مساله توجه چندانی نکنند.

تضمین ایمنی و بهداشت

محیط کار و تقلیل مخاطرات کار به حداقل ممکن، بدون هیچ

صرفه جویی، با استفاده از پیشرفته ترین تسهیلات و امکانات مورد استفاده در سطح

جهان. نظارت و معاینه پزشکی منظم در برابر مخاطرات و

بیماری های حرفه ای (که در محیط کار از قبیل بیماری های

ریوی، کمر درد و فشار بر روی اعصاب و عضلات و کلیه و چشم

وارد میشود) و ناشی از کار، توسط مراجع پزشکی مستقل از

کارفرما، به هزینه کارفرمایان و دولت. بیمه کامل کارگران در

مقابل صدمات و خسارات ناشی از کار، اعم از اینکه در محیط

کار و یا خارج آن رخ دهد و بدون اینکه کارگر نیازی به اثبات قصور

کارفرما و یا مدیریت داشته باشد. پرداخت حقوق کامل بازنشستگی

به کارگرانی که در نتیجه صدمات ناشی از کار توانایی کار کردن را

از دست میدهند. در راس مطالبات و خواسته های فوری و

دائمی کارگران باید قرار گیرد.

برای جلوگیری از مرگ و سوانح کار حساس بودن به

امکانات محیط کار است. کارگران باید همه جا، دانما نسبت

به بی تفاوتی به امر بهداشت و ایمنی محیط کار هشدار بدهند.

اولین گام جمع شدن و تشکیل مجمع عمومی است. جمع شدن و

به بحث گذاشتن شرایط ایمنی محیط کار و تحت فشار گذاشتن

کارفرما و ارگانهای مسئول با قدرت و تصمیم جمعی عملی

میشود. *

**زنده باد انقلاب
انسانی
برای جامعه ای
انسانی!**

از صفحه ۱ ایران تریبونال اولین گام ...



رسوا میکند و کل این ماشین جنایت و آدمکشی را به محاکمه میکشد. مستندات و واقعیات مطرح شده در این دادگاه تاکید دیگری است بر اینکه جمهوری اسلامی نه نماینده مردم ایران بلکه قاتل آنان است، هیچ مشروعیت و قانونیتی ندارد و باید در سطح جهان منزوی بشود.

دهه شصت تنها برگی از پرونده قطوری است که با خون و رنج و درد هزاران انسان شریف و آزاده نوشته شده است. جنایات حکومت

اسلامی از همان فردای بقدرت رسیدنش با به گلوله بستن کارگران

بیگار، اسید پاشی به صورت زنان، حمله به کردستان و ترکمن صحرا و

یورش به دانشگاهها آغاز شد و تا همین امروز در سراسر ایران ادامه

دارد. دادگاه ایران تریبونال میتواند اولین گام باشد در باز کردن کل این

پرونده و بررسی جنایات این حکومت در دوره قبل از سی خرداد

شمت، در دوره جنگ با عراق، در سرکوب خیزش انقلابی ۸۸، و همین

امروز در اقدامهای جمعی و در بازداشت و شکنجه و سرکوب

کارگران و زنان و دانشجویان و جوانان معترض در سراسر ایران.

ایران تریبونال از نظر حقوقی یک دادگاه سمبلیک است که قضاوت و

حکم آن ضمانت اجرائی ندارد ولی از نظر سیاسی يك تعرض و پیشرفت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی است.

شاهدین دادگاه با سری برافراشته و با صدائی محکم و با صلابت پرده از جریات جنایات حکومت برداشتند، کیفرخواست کل مردم ایران علیه جانیمان حاکم را اعلام داشتند و گفتند که قصدشان نه انتقامجویی بلکه اجرای عدالت است. این دادخواهی امری سیاسی است و

مجریان آن در نهایت خود مردم پیاخاسته ایران خواهند بود. دور نیست روزی که مردم انقلابی ایران این رژیم فاشیستی را سرنگون کنند و سران آنرا در دادگاههای علنی و مردمی در خود ایران به محاکمه بکشند. برگزاری دادگاههایی نظیر

حکم آن ضمانت اجرائی ندارد ولی از نظر سیاسی يك تعرض و پیشرفت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی است.

شاهدین دادگاه با سری برافراشته و با صدائی محکم و با صلابت پرده از جریات جنایات حکومت برداشتند، کیفرخواست کل مردم ایران علیه جانیمان حاکم را اعلام داشتند و گفتند که قصدشان نه انتقامجویی بلکه اجرای عدالت است. این دادخواهی امری سیاسی است و

مجریان آن در نهایت خود مردم پیاخاسته ایران خواهند بود. دور نیست روزی که مردم انقلابی ایران این رژیم فاشیستی را سرنگون کنند و سران آنرا در دادگاههای علنی و مردمی در خود ایران به محاکمه بکشند. برگزاری دادگاههایی نظیر

حکم آن ضمانت اجرائی ندارد ولی از نظر سیاسی يك تعرض و پیشرفت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی است.

شاهدین دادگاه با سری برافراشته و با صدائی محکم و با صلابت پرده از جریات جنایات حکومت برداشتند، کیفرخواست کل مردم ایران علیه جانیمان حاکم را اعلام داشتند و گفتند که قصدشان نه انتقامجویی بلکه اجرای عدالت است. این دادخواهی امری سیاسی است و

مجریان آن در نهایت خود مردم پیاخاسته ایران خواهند بود. دور نیست روزی که مردم انقلابی ایران این رژیم فاشیستی را سرنگون کنند و سران آنرا در دادگاههای علنی و مردمی در خود ایران به محاکمه بکشند. برگزاری دادگاههایی نظیر

حکم آن ضمانت اجرائی ندارد ولی از نظر سیاسی يك تعرض و پیشرفت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی است.

شاهدین دادگاه با سری برافراشته و با صدائی محکم و با صلابت پرده از جریات جنایات حکومت برداشتند، کیفرخواست کل مردم ایران علیه جانیمان حاکم را اعلام داشتند و گفتند که قصدشان نه انتقامجویی بلکه اجرای عدالت است. این دادخواهی امری سیاسی است و

مجریان آن در نهایت خود مردم پیاخاسته ایران خواهند بود. دور نیست روزی که مردم انقلابی ایران این رژیم فاشیستی را سرنگون کنند و سران آنرا در دادگاههای علنی و مردمی در خود ایران به محاکمه بکشند. برگزاری دادگاههایی نظیر

حکم آن ضمانت اجرائی ندارد ولی از نظر سیاسی يك تعرض و پیشرفت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی است.

شاهدین دادگاه با سری برافراشته و با صدائی محکم و با صلابت پرده از جریات جنایات حکومت برداشتند، کیفرخواست کل مردم ایران علیه جانیمان حاکم را اعلام داشتند و گفتند که قصدشان نه انتقامجویی بلکه اجرای عدالت است. این دادخواهی امری سیاسی است و

مجریان آن در نهایت خود مردم پیاخاسته ایران خواهند بود. دور نیست روزی که مردم انقلابی ایران این رژیم فاشیستی را سرنگون کنند و سران آنرا در دادگاههای علنی و مردمی در خود ایران به محاکمه بکشند. برگزاری دادگاههایی نظیر

ایران تریبونال، در شرایطی که هنوز جانیمان در حکومتند، نوید دهنده آنست که چنین روزی بزودی فرا خواهد رسید.

برگزاری ایران تریبونال را یکبار دیگر به سازمان دهندگان و فعالینش، به شاکیان و شاهدانش، به خانواده های جانبختگان و زندانیان سیاسی که به برگزاری آن کمک کردند تبریک میگویم و دست همه آنها را به گرمی میفشارم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اکتبر ۲۰۱۲

نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!

گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردی آنها تماماً حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوئیم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخوردار از همه نعمات حق ماست. برخوردار از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست.

این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران

جمهوری اسلامی ایران در دومین دادگاه ایران تریبونال به جنایت علیه بشریت محکوم شد!



مینا احدی

ما اعلام می کنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئول جرایم فاحش خود بر علیه شهروندان است و دولت ایران مرتکب جنایت بر علیه بشریت شده است.

با اعلام این پیام دیوان، موجی از شادی و شغف شرکت کنندگان در دادگاه ایران تریبونال را فراگرفت. در حالیکه حاضرین عکس عزیزان اعدام شده خود را در دست گرفته بودند، علامت پیروزی نشان داده، همدیگر را در آغوش گرفته و اشک میریختند. این یک گوشه کوچک از شادی و شغف بزرگی است که نصیب مردم ایران بعد از سرنگون کردن حکومت اسلامی و محاکمه سران این حکومت خواهد شد.

دادگاه دوم ایران تریبونال در روزهای ۲۵ تا ۲۷ اکتبر در شهر لاهه در هلند برگزار شد. اولین دادگاه در جولای ۲۰۱۲ در لندن برگزار شده بود.

سه روز تمام، انسانهای نازنینی که سالها در سیاه چالهای حکومت اسلامی بسر برده و شکنجه شده بودند، کسانی که عزیزترین افراد خانواده اش را از دست داده بودند، فرزندان که مادر و پدرانشان را به دست جلدان حکومت اسلامی اعدام شده و یا کسانی که شاهد اعدام دوستان و رفقای خود بوده اند، در این دادگاه حرف زدند. بارها سکوت سالن با صدای حق هق گریه حاضرین در هم شکسته میشد و بارها دهها نفر در سکوت اشک ریخته و مجذوب صحبت‌هایی میشدند که هریک گوشه و زاویه ای از جنایات یک حکومت فاشیست اسلامی را افشا میکرد. روشن کردن زوایای پنهان نوع



ما اعلام می کنیم که:

دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئول جرایم فاحش خود بر علیه شهروندان است و دولت ایران مرتکب جنایت بر علیه بشریت شده است.

پیشنهاد دیوان:

جوامع بین المللی، باید در باره این جنایت گسترده علیه بشریت تحقیق کنند.

کمیسیونی تشکیل شود برای پیگیری این جنایات کمیسیون دایمی تشکیل شود تا درباره جنایات جمهوری اسلامی تحقیق کند.

دولت ها طبق قوانین بین المللی باید پیگرد مقامات ایرانی شوند که مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند.

دیوان یک بار دیگر از شهود و فراد حاضر در این جا تشکر می کند که این فرایند را به این جا رساندند. ختم جلسه را اعلام می کنم. دیوان از همه تشکر می کند. از نظر من این یک واقعه مهم است و باید برای عملی کردن این خواستها، برای ادامه دادن به این حرکت مهم، همه قربانیان جنایات جمهوری اسلامی، و همه مردم آزاده ایران، متحدانه تلاش کنند.

۲۷ اکتبر ۲۰۱۲

دولت ها طبق قوانین بین المللی باید پیگرد مقامات ایرانی شوند که مرتکب جنایت علیه بشریت شده اند.

مطلب تکمیلی تدوین کرده است ادله لازم برای محکومیت جمهوری اسلامی در آن وجود دارد. همه اسناد نشان می دهند که جمهوری اسلامی، مجموعه از جرایم را علیه زندانیان اعمال کرده است و نمایانگر این حقیقت غیرقابل انکار است که در جمهوری اسلامی ایران، شکنجه و اعدام، تجاوزات جنسی، ناپدید شدن در جریان بوده است. بنابراین، جمهوری اسلامی مرتکب قتل و جنایت شده است. هم چنین در یک شب شصت جنازه به یک گورکن تحویل داده که گورکن در فیلم آن ها را بیان می کند و قبرها را نشان می دهد. مامورین ایرانی، سنگ قبر زندانیان را می شکنند. به بسیاری از اعدامیان پس از اعدام تیر خلاص زده اند. برخی موارد کودکان زندانی را وادار کرده اند که به زندانیان تیر خلاص بزنند.

علاوه بر این ها، خانواده های زندانیان تحت آزارهای شدید قرار گرفته اند. از آن ها پول تیر گرفته اند. مصطفی سلطانی موقعی که رفته بود جنازه برادرش را از یسندان تبریز بگیرد به او آن قدر گلوله زده بودند که تمامی ارگان های درونی بدنش بیرون ریخته بود. شکنجه و کشتار در تمامی زندان های جمهوری اسلامی صورت گرفته است. شهود نشان دادند که اعدام های فراقضایی هم در سراسر ایران صورت گرفته است. این جنایات براساس دستگاه مرکزی حکومتی صورت گرفته و جمهوری اسلامی مسئول همه این جنایات است. اکنون عمال ایران، باید مسئولیت قضایی این جنایات خود را به عهده بگیرند و جواب گو باشند. هر کدام از مقامات جمهوری اسلامی هم مسئول هستند.

زندانیان و با زنان و مردان معترض و انقلابی کرده اند، قاصر است. در عین حال روشن تر شدن ابعاد جنایات حکومت اسلامی علیه مردم آزاده ایران، به عیان نقش دولتهای اروپایی و نهادهای بین المللی را در مماشات و سکوت در مقابل این همه جنایت و وقاحت اسلامی را عریان تر کرد.

من در مورد این دادگاه بیش از اینها خواهم نوشت فقط در این یادداشت کوتاه میخواهم بگویم که اعلام رای هیئت شش نفره قضات، یک واقعه مهم این دادگاه است. در این اعلام رای رسماً و علناً حکومت اسلامی به جنایت علیه بشریت متهم شد در رای قضات آمده است: دیوان از کمیته حقیق یاب،

ما اعلام می کنیم که:

دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئول جرایم فاحش خود بر علیه شهروندان است و دولت ایران مرتکب جنایت بر علیه بشریت شده است.

فعالین و دست اندرکاران تریبونال ایران و هم چنین حضار تشکر می کند.

دیوان از جمهوری اسلامی از طریق سفارتش در لاهه دعوت کرده بود که در این دادگاه شرکت کند و جوابگو باشد اما جواب ما را ندادند.

دیوان تحت تاثیر مطالبی قرار گرفته که محکم و مستند هستند. دیوان در روند تلاش های چندین ساله به این نتیجه رسیده است. این دیوان بر اساس قوانین بین الملل و مستقل و بی طرف تشکیل شده و هر کدام از قضات مستقل هستند. کمیته حقیقت یاب قبلاً سخنان ۷۵ شاهد را به ما داده بود و این جا نیز ۱۹ شهود را شنیدیم. تمامی این ادله موجود است و ضمیمه های تکمیلی نیز گزارش است. کمیسیون یک گزارش ۶۵ صفحه ای را همراه با

شکنجه هایی که اعمال میشد، جایگاه اعمال فشار به زندانیان برای تهی کردن آنها از انسانیت و مقابله با هر درجه از نزدیکی و کمک و مساعدت زندانیان به همدیگر، اعمال مجازاتهای اسلامی و بکار بردن روش های ضد انسانی و غیر قابل تصور اعمال فشار به زندانیان نظیر مجبور کردن زندانیان به نخوابیدن در طول چندین روز و یا مجبور کردن زندانی به چند ماه زندگی در یک تابوت، و ... همه و همه گوشه هایی از رفتار وحشیانه مشتکی جلا و سادیست اسلامی با زندانیان بود.

در این دادگاه از قتل عام دسته جمعی زندانیان در سالهای شصت و هفت حرف زده شد. از صدای کامیونهایی که اجساد را حمل میکردند، از صدای تک تیرهای شلیک شده بر سر زندانیان و از وادار کردن زندانیان و یا کودکان و نوجوانان زندانی به حضور در صحنه اعدام و از اعدام کودکان زندانی به دست پاسداران جنایت پیشه اسلامی.

در این دادگاه از گورهای دسته جمعی بی نام و نشان، از تهدید خانواده های اعدام شدگان، از گرفتن پول گلوله از آنها و از ندادن اجازه گریه کردن به مادران و پدران اعدام شدگان، از عدم امکان برگزاری مراسم و یا حتی عدم امنیت سنگ قبرها در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی صحبت شد.

تصویر صحنه هایی که به مادران و پدران خبر قتل عام دسته جمعی فرزندان آنها در زندانها را میدادند، و تصویر صحنه هایی که مادران در خاوران با کندن زمین با ناخن هایشان و با بو کشیدن زمین دنبال پیکر فرزندان خود میگشتند، همه و همه اسناد مهمی از افشاگری علیه یک حکومت جنایت و وقاحت اسلامی بود که در تاریخ ثبت خواهد شد.

این دادگاه در مقابل چشم جهانیان، تصویر حکومتی بیرحم و جنایتکار را نشان داد که کلمات از وصف آنچه این جنایتکاران با

به سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان



شهبلا دانشفر

عبدالرضا قنبری معلم معترض که در تظاهرات مردم در سال ۲۰۰۹ دستگیر و اکنون خطر اجرای حکم اعدام بر روی سر اوست و تعداد قابل توجه دیگری از فعالین کارگری، فعالین معلمان و سایر جنبش های اجتماعی در زندانند. منتظر پاسخ و اقدامات شما هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شهبلا دانشفر
۲۶ اکتبر ۲۰۱۲

شاهرخ زمانی از زندان رجایی شهر پیامی ارسال کرده است که در اینجا متن آنرا ملاحظه میکنید!

خطاب به تمامی سندیکاها و نهادهای حقوق بشری و انسانهای آزادیخواه

صدای دادخواهی مرا بشنوید!



من شاهرخ زمانی عضو سندیکای کارگران نقاش تهران و کمیته پیگیری پس از سی سال اقامت در تهران در تاریخ چهارده خرداد ۱۳۹۰ در بدو ورود به شهر تبریز بخاطر دیدار با پدر و مادرم توسط اداره اطلاعات شهر به شکل کاملاً غیر قانونی و بدون کوچکترین سند و مدرک دستگیر شدم. بعد از چهل روز شکنجه های روحی و جسمی به زندان مرکزی تبریز تحویل داده شدم. در تمامی این چهل روز بازداشت غیر قانونی ام در اعتراض به این اوضاع در اعتصاب غذا بودم. بطوری که ۲۷ کیلو وزن کم کرده ام و مطلقاً بازجویی ندادم. با این اوصاف علیرغم اینکه کوچکترین سند و

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و سندیکای کارگران نقاش تهران از فعالین کارگری محبوب و شناخته شده در شهر تبریز طی نامه ای از زندان رجایی شهر از ما خواسته است که صدای اعتراض او را به جهانیان برسانیم. شاهرخ زمانی در ۴ ژوئن ۲۰۱۱ دستگیر و ۱۱ سال حکم زندان به وی داده شده است. جرم او تلاش برای ایجاد تشکل کارگری و دفاع از حقوق کارگران است. اما با پیوستن دوزی مثل همیشه انواع جرائم دیگر مانند تبلیغ علیه نظام و غیره را به او نسبت داده اند. در مدتی که شاهرخ در زندان بوده مورد شکنجه و آزار بسیاری قرار گرفته است. اکنون وی را به زندان رجایی شهر تبعید کرده اند. نامه شاهرخ زمانی ضمیمه است و با خواندن آن در جریان وضعیت دقیق وی قرار میگیرید. آنچه در زندان بر شاهرخ زمانی میگذرد بیانگر وضعیت همه زندانیان سیاسی و فعالین کارگری در زندان است. ما از شما انتظار داریم به هر شکل که میتوانید به درخواست شاهرخ زمانی پاسخ داده و او را مورد حمایت خود قرار دهید. با نوشتن نامه به جمهوری اسلامی دستگیری و شکنجه و آزار فعالین کارگری و سیاسی در ایران را محکوم کرده و خواهان آزادی شاهرخ و سایر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان شوید.

بد نیست همینجا اضافه کنیم که علاوه بر شاهرخ زمانی رضای شهبایی عضو هیات مدیره سندیکای واحد، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری، رسول بدایعی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان،

مدرکی از من وجود نداشته و یک سطر بازجویی نداد. اداره اطلاعات و لجاجت آن، شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز با زدن اتهامات "تبلیغ علیه نظام و تشکیل دسته سوسیالیستی" مشمول مجازات در این موارد یعنی ۱۱ سال حبس برای من بریدند. در صورتیکه در حکم صادر شده نیز من از اول تا آخر منکر اتهامات بودم و این مسئله نشان دهنده جعلی و واهی بودن اتهامات و خود حکم بعداً بطوریکه قاضی پرونده در اثر اصرار من که بر اساس چه چیزی حکم صادر کرده است اعلام کرده و گفته شما فکر میکنید من کی هستم بنده در سلسله مراتب یک فرمانبرداری بیش نیستم.

زندانیان تبریزی یکی از مخوف ترین زندانها با آدمکش ترین ماموران می باشد، برخورد غیر قانونی و غیر انسانی و جنایتکارانه آن زیانزد خاص و عام می باشد، زندانیان سیاسی بدون برخورداری از کوچکترین حقوق قانونی مانند مرخصی، آزادی موردی و مشروط و یا کتابخانه که فقط کتابهای تخصصی دارد تحت نظر اداره اطلاعات مرکزی به بدترین شکل ممکن مورد زندانیان را تحت شکنجه های روحی و جسمی فراوان قرار میدهد. بدترین رفتار انداختن زندانیان عادی به جان زندانیان سیاسی می باشد. به علت اینکه بندی مستقل وجود ندارد، این کار را بطور روزمره انجام میدهند و روزی نیست که یک درگیری کوچک و یا بزرگ در این اداره بوجود نیامده باشد.

در یک اطاق بیست متری بیست و یک تخت است که گاهی از چهل نفره بالا در آنجا هستند همیشه هفت نفر از زندانیان عادی مخصوص که روحشان فاسد بوده و تحت ارباب تن به جاسوسی و درگیری میدهند در میان زندانیان هستند.

زندانیان سیاسی با افراد مبتلا به بیماری ایلز و یا هپاتیت در تماس می باشند که با تحریک مسئولان به سوهان روح زندانیان سیاسی تبدیل میشوند. در سال ۹۰ مرا بعد از سه روز نگهداری در این اطاق که به نوعی بهشت حساب میشد به بند ۲۲ اداره اطلاعات برای آزار و اذیت بیشتر، مرا به یک قرنظینه همراه با

زندانیان خطرناک که فقط برای سه روز قابل تحمل است نگهداری کردند و بعداً به همراه جمهور آژوگچ از پک ک به بند ۱۵ متادون که پنجاه نفر مبتلا به ایلز و هپاتیت در آنجا بودند، انتقال دادند. در آنجا در اعتراض به این مسئله یک اعتصاب چند روزه با تمامی زندانیان انجام دادیم.

اداره اطلاعات در اردیبهشت ۹۱ بدون کوچکترین حکمی با جعل سازی سند و این که من تقاضای انتقال داده ام مرا به یزد انتقال داد. من از لطف این عده برخوردار شده و در آنجا با تهمت اینکه شما اخبار و اوضاع داخلی را به بیرون میدهید دوباره به تبریز برگردانده شدم به بند هشت کار درمائی تبریز. در آنجا ما زندانیان سیاسی تبریز نوشته ای کتبی در ۱۴ ماده برای سازمان زندانها نوشته و موارد دیگری از آزار و اذیت ماموران را توضیح دادیم و خواهان رسیدگی فوری به حقوق قانونی مان مانند مرخصی ها، آزادی مشروط و امکانات باشگاهی، کلاسهای فنی و حرفه ای شدیم. ... (چند ثانیه نامفهوم)

مامور انتظامات داخلی زندانیان عادی را وادار کرد علیه من و چند نفر دیگر شکایت کنند و گفتند که ما به رهبری توهین کرده، به زندانیان عادی فحش داده و زندانیان کارگر را تحریک به اعتصاب کرده ایم. این پرونده در شورای ۱۱ بازرسی تشکیل شد و بعد از این ماجرا ما را به زندان رجایی شهر کرج تبعید کردند. البته بعداً دو نفر از کسانی که شکایت کرده بودند پشیمان شدند.

جناب احمد شهید

علیرغم شکایت خانواده ام به نهادهای قانونی از جمله دفتر رهبری، دیوانعالی نهاد حقوق بشر و غیره با جوابهای سربالا و تهدید و ارباب مواجه بوده ام. علیرغم این تهدید و ارباب من قسمتهایی از حرفهای همین نهادها را که برای رفع تکلیف و بخاطر فشارهای خانواده ام به وکیل گفته اند یاد آور میشوم. کارشناس دیوانعالی کشور گفته

متأسفانه در حق ایشان اجحاف شده و کوچکترین ادله قانونی و محکمه پسندی که قاضی بتواند این حکم را بدهد در پرونده ایشان موجود نیست. یکی از افراد حقوق بشر اسلامی در تهران در مقابل پیگیری زیاد پرونده به همسر من گفته است خانم چیزی از اینجا عاید شما نخواهد شد تصمیم جای دیگری گرفته شده است. شما تنها به حقوق بشر جهانی میتوانید مراجعه کنید. گویا قاضی صادر کننده حکم در مقابل فشار بر روی سه مدرک، حکم را صادر کرده گفته من فکر میکنم که در سلسله مراتب پیچیده کنونی فرمانبرداری بیش نیستم. (چند ثانیه نامفهوم)

تنها امید ما زندانیان، احزاب و نهادهای جهانی علیه سیاستهای ضد بشری موجود هستند.

در پایان قابل تذکر میباشد که در اداره اطلاعات بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم تهدید به مرگ شده ام از جمله مسمومیت، قرار دادن در کنار افراد عادی مبتلا به ایلز، وادار کردن افراد نامتعادل روانی، جانی و خطرناک به درگیری با من، قرار دادن افراد اطلاعاتی در پوشش زندانی در کنار من که مرا تشویق به فرار میکردند تا حین فرار با تیر کشته شوم که با شناسایی و افسای این افراد از آنها دور شده ام. مامورین مردمی و خوب زندان چندین بار در زندان در این مورد به من تذکر داده اند که با توجه به نمونه مهندس امانی، مبارزی که توسط مامورین از طریق فرار ساختگی از بین برده شد، مواظب خودم باشم. در مورد هرگونه عواقب از این قبیل من به همه هشدار میدهم. مرگ من در زندان بهر دلیل متوجه مسئولین می باشد.

با امید به آینده ای انسانی عاری از تبعیض و ظلم دست همه شما را به گرمی فشرده و قبلاً از زحمات شما به گرمی نهایت تشکر را دارم.

شاهرخ زمانی

زندانی رجایی شهر
۲۹ مهرماه ۱۳۹۱



قبض ها را نپردازید

مبارزه علیه افزایش قیمت گاز و آب و برق و نپرداختن قبض ها چنان گسترش یافته است که جمهوری اسلامی توان مقابله با آنرا ندارد. وقت آن است که همه مردم از پرداخت قبض ها خودداری کنند و خواست رایگان شدن این خدمات را با صدای بلند اعلام نمایند. نه تنها آب و برق و گاز، بلکه طب و آموزش و پرورش نیز باید رایگان شود. این حق ابتدائی همه مردم است. هر ماه میلیاردها دلار صرف زندان ها و سرکوبگران، صرف تروریسم و گله آخوند و امام جمعه ها میشود. با گوشه ای از این پولها میتوان همه این خدمات را رایگان کرد و یکبار برای همیشه به این مشکل عظیم مردم فقیر و محروم پایان داد.

زنده باد سوسیالیسم زنده باد حزب کمونیست کارگری

آموزش رایگان حق همه کودکان است

حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدائی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامين و شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدرمادرهايشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند.

همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. خرافه و جهل و اراجیف آخوندهای حاکم علم نیست. شستشوی مغزی است. با خواستهای:

تحصیل رایگان برای همه کودکان و ممنوعیت هر نوع اخاذی به اسم شهریه یا تحت عناوین دیگر
- پرداخت کمک هزینه های لازم برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان
- جدایی مذهب از آموزش و پرورش
- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصول آموزش و پرورش علمی و غیر مذهبی هستند
- پایان دادن به کنترل و تفتیش دولتی در مدارس
از حقوق خود و آینده کودکانمان دفاع کنیم

حزب کمونیست کارگری ایران



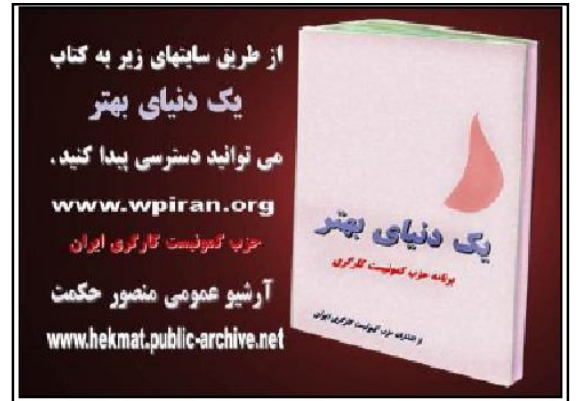
برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری يك فراندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این فراندم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین يك دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در فراندم، انجام شود.

حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشرو تر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت. موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر مبنای يك بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخص تعیین خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه ای برای دائمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در يك چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی های ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در آینده ارزیابی میکند.

حزب کمونیست کارگری هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفا بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میداند.

رفع ستم ملی از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری



حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد.

**حزب کمونیست
کارگری هر نوع
ترتیباتی در مورد آینده
سیاسی کردستان را که
بدون مراجعه به آراء
عمومی خود مردم
کردستان و صرفا بر
مبنای تصمیمات
دولت مرکزی و یا
توافقات از بالا میان
دولت و احزاب محلی
به اجراء گذاشته شود،
فاقد مشروعیت و
غیرقانونی میداند.**

حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان ها میداند و با هر نوع تقسیم بنی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را يك وظیفه حیاتی خود میداند.

بعنوان يك اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد،

مساله کرد

نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری بعنوان يك اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق يك پروسه انتخاب آزاد و عمومی را



زندگی نامه من (بخش سی و هشتم)

در یکی از ایستگاه‌های که برای استراحت نگه داشته بودند، دوستان ما توانسته بودند با مردم محل که کرد بودند، تماس گرفته و نقشه شوم پلیس ترکیه را به آنها گفته بودند. مردم هم که سنتا بخاطر مساله ملی با دولت ترکیه مشکل داشتند و به هر بهانه ای با پلیس درگیر می شدند، به دوستان ما کمک کرده و آنها را از دست پلیس نجات داده بودند و در خانه های خودشان مخفی کرده بودند.

خبر این ماجرا که به دست شورا رسید، همه را بسیج کرد و جلوی ساختمان یوان بست نشستیم و از یوان خواستیم سریعاً برای نجات پناهجویانی که در مرز گیر کرده بودند، اقدام کند. ما به آنها گفتیم، این پناهجویان از طرف یوان بعنوان کسانی که جواب گرفته و حق دارند مورد حمایت قرار گیرند هستند و در نتیجه هر اتفاقی برای آنها بیافتد، مسئولیتش با سازمان ملل و کمیساریای حقوق پناهندگان خواهد بود. از طرف دیگر دفتر مرکزی فدراسیون شوراهای پناهندگان در سوئد و دیگر کشورها کمپین بزرگی در دفاع از این پناهجویان به راه انداخته بودند و دست به اقدامات عاجلی زده بودند.

بزودی معلوم شد که طی توافقاتی که دولت ترکیه و ایران کرده اند، قرار شده دولت ترکیه بیش از ۶۰۰ نفر از فعالین سیاسی مخالف رژیم که در ترکیه بعنوان پناهجو زندگی می کردند را تحویل مقامات ایران بدهد و این ۱۵۰ نفر اولین سری از این لیست ۶۰۰ نفره بودند که داشتند به مسلخ برده می شدند. اکثریت این ۶۰۰ نفری که در لیست بودند، ماها کمونیستها بودیم که به تازگی از کردستان عراق به ترکیه آمده بودیم. اگر مردم محل به داد دوستان ما نمی رسیدند، ماجرا می رفت که به یک جنایت باور نکردنی تبدیل شود. خوشبختانه چند هفته تحصن جلوی یوان و یک کمپین بزرگ بین المللی از طرف فعالین فدراسیون، جان ما و تعداد زیادی را نجات داد و کمیساریای پناهندگی سازمان ملل متعهد شد که از ما مواظبت کرده و ما را سالم به

کشورهای ثالث برساند. دوستان ما همه به سلامت برگشتند و به آنها قول داده شد که هر چه زودتر به کشور امنی منتقل شوند.

اما پلیس ترکیه نمی خواست به همین سادگی دست از سر ما بردارد و شکست را بپذیرد. هر روز یک دسته را که برای امضا رفته بودند، می گرفتند و در زندان نگه می داشتند و تا زمانی که برگه ای را چشم بسته امضا نمی کردند، آزاد نمی شدند. جنگ روانی عجیبی بود. چه چیزی را داشتیم چشم بسته امضا می کردیم؟ بعضیها معتقد بودند حکم دپورت خودمان را امضا می کنیم که فردا اگر دپورتمان کردند، سند قانونی در دفاع از خودشان داشته باشند. اوائل کسانی که دستگیر شده بودند، از امضای چشم بسته برگه ها خودداری می کردند و از پلیس می خواستند حداقل برایشان توضیح دهند که این تو چی نوشته شده. اما بجای جواب فقط توسری و کتک می خوردند و مدت بیشتری در بازداشتگاه می ماندند.

در جلسه ای که داشتیم، تصمیم گرفتیم که مقاومت فایده ای ندارد و فقط منجر به اذیت و آزار بیشتر می شود. تازه ممکن است به این بهانه عده ای را به زندانهای دیگر منتقل کنند و این چیزی بود که ما نمی خواستیم. چون اگر ارتباطمان با هم قطع شود و نمی فهمیدیم کجا افرادی را نگه می دارند، آنها به آسانی می توانستند هر بلائی بر سرشان بیاورند. بعلاوه این احتمال هم وجود داشت که این فقط یک بلوف باشد و پلیس برای زهر چشم گرفتن اینکار را بکند. مسئولین یوان هم ظاهراً سعی کرده بودند چیزی در همین مایه ها به نمایندگان ما بفهمانند. بهرحال هرچه با ما بود. ما تصمیم گرفتیم امضا کنیم. روزی که نوبت ما رسید، بیش از چهل نفر بودیم که همه ما را با هم به یک اتاق بزرگ بردند و در را از پشت بستند. تا نزدیکهای عصر کسی را صدا نزدند و احوالی هم از ما نپرسیدند. حتی نمی گذاشتند توالیت برویم. برای اینکه خودمان را سرگرم کنیم و به عواقب وحشتناک کاری که از ما می خواستند، فکر نکنیم، شروع کردیم به جوک گفتن و خاطره تعریف کردن. اما هر چند وقت یکبار، ناگهان همه ساکت می شدند و

سکوت وحشتناکی اتاق را فرا می گرفت. هر کسی غرق در افکار خود می شد و چهره ها را سایه ای از ترس و نگرانی می پوشاندند. خوشبختانه طولی نمی کشید که کسی چیزی می گفت و دیگران را تشویق به حرف زدن و خندیدن می کرد. بالاخره طرفهای عصر بود که در را باز کردند و یکی یکی همه را برای امضا کردن صدا کردند. نوبت هر کسی که می شد، رنگ پریده از جا بلند میشد و انگار که به کشتارگاه می رود، آرام بطرف در می رفت. من خیلی خوشحال بودم که من و علی را با هم صدا زدند و ما را با هم بردند. اگر تنهایی می رقتم، حتماً از وحشت می مردم. همان دم در چشمهایمان را با چشم بند بستند و من دست آهنینی را احساس کردم که بازویم را فشرد و مرا به جلو هل داد. بدون آنکه بدانم کجا می روم به راه افتادم. فقط گوشم به طرف راستم بود که مطمئن باشم علی هم دارد به همان طرف می رود. بعد از گذر از چندین راهرو و بالا و پایین رفتن از جنید پله و گذشت زمانی که احساس می کردم یکسال شده، صدای باز شدن دری را شنیدیم و به فضائی وارد شدیم که بوی تند ادکلن و قهوه فضا را آکنده بود و صدای حرف زدن و خندیدن چند مرد می آمد. به جلوی میز می هدایت شدم و خودکاری توی دستم گذاشته شد. آقای با صدای ملایمی

از من خواست که پای یک ورقه را امضا کنم. نمی دانم تاثیر صدای ملایم و مهربان او بود یا احساسی غریزی که علیرغم اینکه قرار و مدار گذاشته بودیم و می دانستم باید امضا کنم و اعتراض نکنم، اما نتوانستم جلوی خودم را بگیرم و پرسیدم. "میشه چشمبند من را باز کنید که ببینم چی را دارم امضا می کنم؟" ناگهان ضربه سختی به پس کله ام خورد و فریاد گوشخراشی توی گوشم پیچید که "خفه شو و امضا کن و گرنه می فرستیمت زندان. ما وقت نداریم اینجا برای همه توضیح دهیم" نمی دانم که آیا همان آقای اولی بود که این صدای گوشخراش را از خودش در آورد یا نه. اما اگر او بوده باشد، واقعا که می توانست هنرپیشه خوبی باشد که در عرض چند ثانیه بتواند از آن صدای ملودیک، شیرین، به چنان غرش غول آسائی تغییر صدا دهد. علی زیر لبی گفت "امضا کن بریم. برای خودت دردسر درست نکن" منم با عجله چیزی را که نمی دانم چقدر شبیه امضا بوده باشد، روی کاغذی که زیر دستم گذاشته بودند، کشیدم و بدون صدا اجازه دادم به بیرون اتاق و خارج از ساختمان هدایت شوم. وقتی چشمبندم را باز کردند و بیرون از ساختمان پلیس آزاد شدم، هنوز چهار ستون بدنم می لرزید. ادامه دارد

صدای انسانیت
تلویزیون کانال جدید
هر شب از ساعت ۲۱:۴۵ به وقت تهران به مدت ۲ ساعت

Kurd Channel
مشخصات ماهواره:
هائپر ۸
ترانسپوندر ۱۵۵
فرکانس ۱۱۲۰۰ عمودی
اف ای سی ۵/۶
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
تلفخ تماس ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۲

تلف کیفیت دریافت برنامه را از طریق رایج گاورسریه ما اطلاع دهید
nctv.tamas@gmail.com

افزایش ۱۱۴ درصدی مرگ های ناشی از کار در کردستان

در سه ماه دوم سال قبل در اثر حوادث ناشی از کار ۱۳۱ نفر مصدوم به پزشکی قانونی مراجعه کردند که تابستان امسال این رقم با افزایش ۱۴۷ نفر، ۱۲ درصد رشد داشته است. مدیرکل پزشکی قانونی استان کردستان گفت: در تابستان امسال میزان مرگ های ناشی از حوادث کار در استان نسبت به سال قبل با ۱۱۴ درصد افزایش روبرو بوده است. غلامرضا همایون پور در گفت و گو با خبرنگار ایلنا در سنندج با اعلام اینکه در سه ماه دوم سال جاری ۱۵ نفر در استان بر اثر حوادث کار جان خود را از دست داده اند، افزود: این رقم در مقایسه با سه ماه دوم سال ۹۰ که تعداد فوتی های ناشی از حوادث کار ۷ نفر بود، ۱۱۴ درصد افزایش یافته است. مدیرکل پزشکی قانونی استان کردستان گفت: در سه ماه دوم سال قبل در اثر حوادث ناشی از کار ۱۳۱ نفر مصدوم به پزشکی قانونی مراجعه کردند که تابستان امسال این رقم با افزایش ۱۴۷ نفر، ۱۲ درصد رشد داشته است.

نا امنی محیط کار جان یک کارگر دیگروا گرفت

روز پنجشنبه کارگری جوان به نام عباس اهل روستای آغاچری در حین کار در شرکت سد سازی واقع در روستای دالان از توابع دیواندره، زنده در زیر خوارها ماسه دفن شد و جان خود را از دست داد.*

آن برسند. این کارگران با بیان اینکه شرایط سختی کار نیز در این کارخانه رعایت نمی شود، افزودند: نبود تجهیزات و ایمن سازی محیط کار عامل بروز بیماری های ریوی شده و در مواردی پیمانکار کارگران بیمار را اخراج کرده و سایر کارگران بیمار از ترس اخراج بیماری را تحمل می کنند.

همچنین ۲۵ نفر از کارگرانی که در لیست اخراج قرار دارند، پیش از این دچار حوادث ناشی از کار شده اند اما با این حال مدیران کارخانه حاضر به تمديد قرارداد آن ها نیستند. به گفته این کارگران مدیر عامل جدید حتی یکی از کارکنان قبلی را که اخراج شده بود بر سر کار آورده است که این فرد ادعا می کند تمامی تصمیمات در کارخانه توسط وی گرفته می شود. آنها می گویند: تعداد کارکنان این کارخانه در مجموع ۳۷۰ نفر است که در زمان مدیرعامل قبلی از امکاناتی نظیر سید کالا برخوردار بودند که در زمان مدیرعامل جدید قطع شده است.

در پایان این جلسه قرار بر این شد که مسئولان استانداری در طول یک هفته به بررسی مسائل پیش آمده بپردازند.

کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس که از سال ۱۳۸۲ به بهره برداری رسیده و بزرگترین پروژه صنعتی کردستان نام گرفته، با تولید سالانه هفت هزار تن چدن خام و اشتغال ۳۵۰ کارگر از دو ماه گذشته تولید خود را متوقف کرده است

نمودند. کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری*

کارگران فولاد زاگرس کردستان اخراج شدند

۶۲ کارگر ذوب آهن فولاد زاگرس استان کردستان از کار اخراج شدند. به گزارش سایت موکریان و به نقل از منابع محلی، نمایندگان این کارگران عصر چهارشنبه با حضور در استانداری کردستان با مسئولان استانداری و مدیرکل تامین اجتماعی کردستان دیدار کردند. در این دیدار کارگران به مشکلات پیش آمده برای این کارخانه اظهار داشتند: متأسفانه بعد از چند سال کار و تلاش کارگران کارخانه فولاد زاگرس کردستان در شهرستان قروه که از ۱۰ سال تا ۱۵ سال سابقه کاری داشته اند، به دلیل سیاستهای نادرست مدیران و مسئولان غیر متخصص از کار اخراج شده اند و تاکنون کسی پاسخی نداد. مشکلات نسبوته است. این کارگران تصریح کردند: مدیریت جدید این کارخانه با جذب نیروهای غیر بومی که تعداد آنها به بیش از ۱۰۰ نفر می رسد، به کارگران قدیمی شاغل خود گفته است سر کار حاضر نشوونند. آنها ادامه دادند: کارخانه ای با این عظمت که با تلاش و کوشش متخصصان و کارگران رونق گرفته است هم اکنون با اخراج ۶۰ نفر رو به نابودی و ورشکستگی رفته و ما از مسئولان می خواهیم قبل از اینکه این واحد نیز بطور جدی تری دچار مشکل شود بداد کارخانه و کارگران



حمله به دستفروشان میدان بار سنندج



به گزارش رسیده، روز چهارشنبه ۳/۸/۹۱ نیروهای رفع سد معبر شهرداری سنندج، به دست فروشان میدان بار این شهر یورش برده و با برخورد فیزیکی و هتاکتی مانع کسب درآمدشان شدند. آنان پس از توهین و کتک کاری دستفروشان، اقدام به ضبط و در واقع سرقت ترازو و میوه های آنان نمودند. این چندمین بار است که این دستفروشان مورد حمله ی مامورین شهرداری قرار می گیرند. حتی یکبار خود شهردار سنندج هم در محل حضور داشته و در جواب اعتراض دستفروشان مبنی بر اختصاص دادن محلی مناسب برای عرضه ی میوه ی خود، برخورد تندی کرده است و اعتراض آنان را به رسمیت نشناخته است. کمیته هماهنگی*

برگزاری سومین مجمع عمومی اعضای شرکت تعاونی مسکن نهضت سوادآموزی (سنندج)



بر اساس گزارش دریافتی از محل برگزاری سومین مجمع عمومی اعضای شرکت تعاونی مسکن نهضت سوادآموزی، که در سالن آمفی تئاتر اردوگاه سلیمان خاطر سنندج برگزار شد، هیئت مدیره و مسئولین انتصابی با ارائه توضیحاتی گمراه کننده و نامفهوم،

سعی کردند که بی کفایتی های خود و ارگانهای مربوطه را موجه جلوه دهند. و طبق روال گذشته سعی بر کنترل و دفع اعتراضات اعضای تعاونی مذکور را داشتند.

اما این بار ترفند مسئولین نالایق به هیچ وجه کارساز نبوده و اعتراضات گسترده و متحدانه اعضا را در پی داشت. آنان با طرح خواسته خود مبنی بر تعیین هیئت مدیره منتخب اعضا جهت پیگیری علل به تعویق افتادن مراحل اجرایی پروژه و شناسایی و معرفی عاملین قصور مورد نظر، به خواسته بر حق خود که همانا تحویل واحدهای مسکونی میباشد تاکید ورزیدند.

در مقابل هیئت مدیره و مسئولین مربوطه که قصور را متوجه خود می دیدند با طرح این مسئله که تعداد اعضای حاضر در مجمع عمومی به حد نصاب نرسیده، تصمیمات و طرح مطالبات ارائه شده اعضا را غیر رسمی اعلام نموده و آن را به مجمع بعدی که در تاریخ ۱۸/۸/۹۱ برگزار خواهد شد، موکول نمودند. اما این رویه اعتراضات گسترده اعضا را در پی داشت. آنان اظهارات هیئت مدیره را غیر واقعی دانستند و اعلام نمودند که با توجه به اینکه مجمع دوم در سال ۸۹ برگزار شده دیگر ضرورت حضور ۵۰٪ اعضا موجه نیست.

شایان ذکر است که مراحل ساخت پروژه مذکور در تاریخ ۲۵/۷/۸۵ کلید خورده است و دارای ۵۴۰ عضو از شهرهای سقز، دیواندره، قروه، کامیاران، سنندج و منطقه کلاترزان سنندج میباشد. با وجود اینکه از تاریخ آغاز به کار این پروژه بیش از ۶ سال میگذرد، هنوز اقداماتی قابل توجه در جهت تکمیل پروژه انجام نپذیرفته و ساخت پروژه در مراحل ابتدایی خود میباشد!

در پایان اعضای حاضر در مجمع اعلام نمودند که در صورت نادیده گرفتن حق و حقوق خود سطح اعتراضات را گسترده تر خواهند نمود و به نشانه اعتراض وضع موجود سالن برگزاری مجمع را ترک

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی، برای تحقق رفاه و آزادی و برابری، به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

تنها یک ...

از صفحه ۱

لحظه ای از ذهن آن دختر گذشت، تصور کرد.

حال او تنها از يك ساعت گفت، يك عمر تحمل چگونه؟

این گوشه ای هر چند خیلی کوچک از سختی های دخترانی است، که در چنین جوامعی با حجاب اجباری متحمل میشوند. به عنوان يك انسان در جایگاه دوم به حساب آمدن، همیشه گناهکار بودن و.... را نیز که زنان در این جوامع باید همیشه تحمل کنند. در این میان نقش مخرب بعضی از خانواده ها نیز که بر شدت این امر می افزاید.

حال اثرات روحی روانی این امر را که برآستی نمیتوان به صورت کامل درک کرد باید چگونه جبران شوند؟

و.....



ساعت با مانتوی سیاه جلوی آفتاب می ایستادند و میدانستند دختران چه میکشند! هیچ پسری جواب نداد. از آن روز چند سال گذشته است اما هر بار که این جمله و صورت آن دختر در آن لحظه که چنین چیزی را گفت به ذهنم خطور میکند، احساس خاصی پیدا میکنم. من که پسر بیشتر اوقات این گرمای ایران را با لباسهای خیلی راحت از آنها نمیتوانستم تحمل کنم، آنها چگونه؟ می شد در آن لحظه نفرت از این حجاب تحمیل شده را دید و این لحظات سخت يك ساعت ها که

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردر باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برحذر دارند! شرم بر دزدهای میلیاردر که ثروتهايشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میدانند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در يك کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۰۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۰۰
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NLV۷۴ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷
phone # ۱-۳۶۰-۳۳۲۰-۵۷۱۱
Masoud Azarnoush
Account number: ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳
wire: ABA routing # ۰۲۶۰۰۹۵۹۳
Nrsswift code: BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!